

ارزیابی قوانین مرتبط با نفت در توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی

عباس کاظمی نجف‌آبادی^۱ - علیرضا غفاری^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳

چکیده

صنعت نفت کشور با وجود برخوردار بودن بیش از یکصد سال تجربه در زمینه تولید و تجارت نفت، همچنان قادر به انجام فعالیت‌ها به صورت درون‌زا و بهره‌برداری از توان داخلی در تمامی بخش‌های عملیاتی و اجرایی نیست. یکی از مهمترین بخش‌های صنعت نفت کشور که همچنان به شکل قابل توجهی به خارج از کشور وابسته است، بخش تأمین تجهیزات مورد نیاز این صنعت در بخش بالادستی است. با توجه به اهمیت ساخت داخلی تجهیزات صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی، این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا منابع حقوق نفت کشور حمایت مناسب و متناسبی از صنایع ساخت این تجهیزات دارند؟ برای پاسخ به سوال تحقیق، این مطالعه، معیارهای استاندارد را بر پایه یک مدل مفهومی و با بهره‌گیری از نظر کارشناسان خبره استخراج نموده و پس از تبیین منابع حقوق نفت موجود، به ارزیابی منابع حقوق نفت در این زمینه پرداخته شده است. نتایج حاکی از آن است که قوانین اصلی نفت کشور و قوانین مربوط به الزام سهم داخلی نسبت به معیارهای استخراج شده، بی‌توجه بوده و قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران نیز حمایت ضعیفی از ساخت تجهیزات موصوف به عمل می‌آورند.

واژگان کلیدی: منابع حقوق نفت، ساخت تجهیزات نفتی، بخش بالادستی صنعت نفت و گاز

۱. استادیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

kazeminajafabadi@atu.ac.ir

۲. دکتری اقتصاد نفت و گاز، گرایش حقوق قراردادهای نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ar.ghafari@yahoo.com

مقدمه

صنعت نفت ایران با دارا بودن ۳۵۷/۳ میلیارد بشکه معادل نفت خام از ذخایر اثبات شده نفت و گاز طبیعی، در جایگاه نخست از منظر حجم مجموع ذخایر اثبات شده نفت و گاز در جهان قرار دارد^۱ و بدون شک مهمترین صنعت کشور به لحاظ اقتصادی، سیاسی و امنیت ملی محسوب می‌شود. سهم این صنعت در تولید ناخالص داخلی کشور از بیش از نیم قرن گذشته تا سال ۱۳۸۵، همواره افزون بر ۲۰ درصد بوده و طی سال‌های پس از آن از ۱۰ درصد کاهش نیافته است (نیلی، ۱۳۹۴: ۱۲). با کاهش تحریم‌های اقتصادی از اواخر سال ۱۳۹۴ و فراهم شدن زمینه‌های صادرات نفت، سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی، مجدداً به طرز چشمگیری افزایش یافت. هر چند پیش‌بینی می‌شود با خروج ایالات متحده از برجام و اعمال تحریم‌های جدید، امکان کاهش آن وجود داشته باشد.

صنعت نفت کشور با وجود برخورداری بیش از یکصد سال تجربه در زمینه تولید و تجارت نفت و سابقه چهل ساله در بخش تجارت گاز، همچنان قادر به انجام فعالیت‌ها به صورت درون‌زا و بهره‌برداری از «توان داخل»^۲ در تمامی بخش‌های عملیاتی و اجرایی نیست. کماکان شرکت‌های نفتی بین‌المللی^۳ با سهم حضور نسبتاً قابل توجه در عملیات نفتی کشور، خصوصاً عملیات بالادستی، اقدام به اجرای پروژه‌های صنعت نفت و گاز نموده و از این حیث، انتفاع مالی فراوانی کسب می‌نمایند. توسعه فازهای ۱ الی ۸ میدان گازی پارس جنوبی و لایه نفتی آن^۴، توسعه میدان‌های گازی پارس شمالی، گلشن و فردوسی و توسعه میادین نفتی گلشن و فردوسی، دارخوین (فاز ۱ و ۲)، سلمان، مسجد سلیمان، آزادگان، جفیر، آزادگان

۱. به گزارش بی پی (۲۰۱۶)، ایران با ۱۲۰۱ تریلیون پای مکعب ذخایر گاز طبیعی در رتبه اول دارندگان ذخایر گاز طبیعی جهان قرار دارد. همچنین طبق همان گزارش، ایران با ۱۵۷/۸ میلیارد بشکه نفت درجا، پس از ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در رتبه چهارم بزرگترین دارندگان ذخایر نفت خام جهان قرار گرفته است. می‌توان براساس نسبت «هر بشکه نفت معادل ۶ هزار پای مکعب گاز» در خصوص میادین گازی معادلسازی نمود (سعیدی، ۱۳۸۱).

2. Local Content.

3. IOCs: International Oil Companies.

۴. برای توسعه نخستین فازهای میدان پارس جنوبی، به علت فقدان تجربه کافی برای توسعه میادین دریایی از توان شرکت‌های نفتی بین‌المللی استفاده گردید. پس از آن، با افزایش سطح آشنایی کارشناسان و مهندسان ایرانی از یک سو و اعمال تحریم‌های بین‌المللی از سوی دیگر تمرکز اصلی توسعه فازهای پارس جنوبی بر مبنای حضور چشمگیر شرکت‌های داخلی انجام شد. به استناد گزارش رسمی شرکت نفت و گاز پارس، شرکت‌های ایرانی از جمله پتروپارس، پتروسینا آریا، صدرا، مهندسی و ساختمان صنایع نفت، مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی ایران و آریا نفت شهاب در فازهای بعدی، به عنوان پیمانکار عملیات توسعه این فازها را به عهده داشته‌اند (غفاری و تکلیف، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

شمالی، یادآوران، بلال، دورود، سیری A و E، سروش - نوروز و نصرت - فرزام، در قالب قراردادهای بیع متقابل، طی چند سال گذشته به شرکت‌های نفتی بین‌المللی واگذار شده است.^۱

البته این به معنی پایان ظرفیت صنعت نفت کشور نیست و کماکان ظرفیت‌های عظیم و قابل توجهی در این زمینه وجود دارد که لزوم سیاست‌گذاری‌های جدید و دقیق در خصوص آن را ضروری می‌نماید. با توجه به جایگاهی که صنعت نفت ایران از آن برخوردار است، چشم‌انداز این صنعت از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد، به طوری که در این رابطه اهداف گوناگونی برای آن در نظر گرفته شده است.

به اعتبار اسناد سیاستی بالادستی نظیر سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی نفت و گاز، سیاست‌های علم و فناوری و برنامه ششم توسعه کشور و با عنایت به ظرفیت‌های موجود در این صنعت، وضعیت مطلوبی برای صنعت نفت کشور ترسیم شده است که مهمترین شاخص‌های آن در جدول ۱ به تصویر کشیده شده است.

جدول ۱- شرایط موجود و مطلوب صنعت نفت و گاز ایران

شاخص	وضعیت موجود	وضعیت مطلوب	اختلاف
طول عمر مخازن با تولید صیانتی (افزایش ۱۰ درصدی ضریب بازیافت)	۹۳ سال	۲۰۰ سال	
سرمایه‌گذاری مورد نیاز		۱۵۰-۲۰۰ میلیارد دلار طی پنج سال	
تولید نفت	۴/۱۳ میلیون بشکه در روز- ۴/۵ درصد تولید نفت روزانه جهان و حدود ۱۲ درصد در اوپک	۷ درصد از تقاضای بازار جهانی در افق ۱۴۰۴	
تولید گاز	۷۰۰ میلیون متر مکعب در روز	۱۲۰۰ میلیون متر مکعب در پایان برنامه ششم	

۱. به نقل از شکوهی (۱۳۹۴)، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۶۹-۷۰.

تجارت گاز	کمتر از ۱ درصد	۸-۱۰ درصد تقاضای جهانی گاز در افق ۱۴۰۴ و سومین تولیدکننده گاز جهان
خام فروشی و لزوم ایجاد ظرفیت پالایشی نفت خام		۲-۲/۲ میلیون بشکه
ذخایر کشف نشده		۲۵ تا ۴۰ میلیارد بشکه
تعداد میدان مشترک فعال تولیدی	۱۱	۲۲
تولید محصولات پتروشیمی	۵۰ میلیون تن در سال ۱۳۹۵	۱۸۰ میلیون تن در افق ۱۴۰۴ و اولین تولیدکننده محصولات پتروشیمی منطقه
وابستگی در تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت		خرید خارجی ۱۰۹ هزار قلم کالای غیر تکراری به ارزش تقریبی ۸ میلیارد دلار ^۱

منبع: مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۴۱

همان گونه که در جدول ۱ مشخص است، یکی از مهمترین بخش های صنعت نفت کشور که با وضع مطلوب فاصله زیادی داشته و همچنان به شکل قابل توجهی به خارج از کشور وابسته است، بخش تأمین تجهیزات مورد نیاز این صنعت در بخش بالادستی است. مقصود از تجهیزات صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی، تجهیزاتی است که طراحی و ساخت آنها مبتنی بر اصول علمی و فناورانه باشد، به کارگیری آنها در عملیات بالادستی، حامل ریسک های قابل توجهی بوده و لذا استفاده از آنها نیازمند پذیرش در فرآیند تست فنی و وجود گواهینامه کیفیت از مراجع ذیصلاح باشد.

بخشی از مهمترین و پرکاربردترین تجهیزات صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی عبارتند از: دکل های حفاری، انواع مته های حفاری (شامل صخره ای، الماسه و مغزه گیری)،

۱. این آمار مربوط به سال ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۹۰ می باشد که به عنوان نمونه در دسترس، ذکر گردیده است.

شیرهای کنترلی، ایمنی و تجهیزات جانبی، گل حفاری، توربین‌های گازی، کمپرسورهای گازی، کمپرسورهای هوای ابزار دقیق، پمپ‌های درون‌چاهی و سرچاهی، لوله‌های مغزی، لوله‌های جداری، لوله‌های حفاری و جریانی، جریان‌سنج‌ها، مواد نمک‌زدایی، حلال‌ها، شیرآلات سرچاهی، باتری شارژرهای صنعتی و ابزارهای اندازه‌گیری در حفاری.

منظور از عملیات بالادستی نیز کلیه عملیاتی است که برای تولید نفت بوده و به کشف نفت، استخراج و تولید آن از مخازن زیرزمینی مربوط می‌شود. در واقع هرگونه عملیات نفتی که به طور مستقیم مربوط به مخازن نفتی است و بر روی مخزن صورت می‌گیرد، عملیات بالادستی است. به همین جهت به عملیات بالادستی؛ عملیات اکتشاف و تولید نیز می‌گویند (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۹).

با عنایت به اهمیت این تجهیزات، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که «آیا منابع حقوق نفت کشور، حمایت مناسب و متناسبی از صنایع ساخت تجهیزات نفتی که در بخش بالادستی مورد استفاده قرار می‌گیرند، دارند؟» ادعا می‌شود که پیش‌بینی‌های ملحوظ در منابع حقوق نفت کشور برای حمایت از صنایع مذکور با کاستی‌های جدی همراه است. از این‌رو، در این مطالعه در نظر است تا منابع حقوق نفت کشور در حمایت از ساخت داخلی تجهیزات صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی، مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی ارائه گردد.

به منظور گسترش بحث، ابتدا به میزان وابستگی صنعت نفت کشور به خارج در قسمت اول پرداخته می‌شود. در ادامه، ساز و کارهای سازماندهی ارزیابی منابع حقوق نفت در موضوع بحث در قسمت دوم تشریح خواهد شد. در قسمت سوم، فرآیند ارزیابی منابع حقوق نفت در موضوع بحث ارائه و در آن چارچوب، به چگونگی انتخاب کارشناسان برای پاسخگویی به سوالات در قسمت چهارم پرداخته می‌شود. شناسایی معیارهای استاندارد برای ارزیابی منابع حقوق نفت و بررسی منابع حقوق نفت کشور در حمایت از ساخت داخلی تجهیزات، موضوع قسمت‌های پنجم و ششم این مقاله است. در انتها، نتیجه‌گیری انجام خواهد شد.

۱. وابستگی بخش تجهیزات صنعت نفت کشور

کشورهای میزبان (از جمله ایران) از دیرباز تاکنون، ضمن آشنایی اولیه با صنعت نفت و افزایش سطح آگاهی علمی و فنی اتباع خود و با توجه به لزوم استفاده از منابع عظیم نفتی در به گردش درآوردن چرخ‌های اقتصاد داخلی، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های نفتی بین‌المللی را به استفاده از کالاها و خدمات داخلی خود متعهد کنند. البته این تعهد از دیرباز، فرع بر وجود سه شرط بود: اول، کمتر یا مساوی بودن قیمت کالا یا خدمات داخلی، دوم، بهتر یا برابر بودن کیفیت کالا یا خدمات داخلی و سوم، در دسترس و فراهم بودن کالا و خدمات داخلی در مقیاس مورد نیاز. به عنوان مثال در بند «و» ماده ۱۱ قانون نفت ۱۳۳۶ بیان شده که شرکت نفتی بین‌المللی، در صورتی می‌تواند کالایی را که نیاز دارد وارد کند که نتواند از کالای داخلی استفاده نماید (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۳: ۸۸).

با این وجود، از میان حدود ۲/۵ میلیون قطعه یا امکانات و فناوری‌های مورد نیاز این صنعت، نزدیک به ۷۰ درصد آنها از منابع خارجی تأمین می‌شود که ارزشی بالغ بر هفت میلیارد دلار دارد (میری مقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹). گزارش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربنی وزارت نفت (۱۳۹۲)، حاکی از آن است که نزدیک به نیمی از کالاها و تجهیزات مورد نیاز این صنعت، وارداتی می‌باشد.^۱

شایان ذکر است، ارزش فعلی دارایی‌های فیزیکی صنعت نفت شامل تأسیسات و تجهیزات بالادستی و پایین‌دستی این صنعت بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار است که این رقم با توجه به توسعه روزافزون صنعت نفت کشور، منطقاً در حال افزایش است.^۲ ناگفته نماند، طبق قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران، حجم سرمایه‌گذاری مورد انتظار در صنعت نفت کشور ۲۰۰ میلیارد دلار بوده که ۶۰ درصد آن به خرید کالا، تجهیزات و طراحی مهندسی اختصاص داشته (سامانه قوانین)^۳ که البته هرگز

۱. محسن خجسته مهر، مصاحبه با خبرگزاری شانا، ۱۳۹۲/۷/۱۹.

۲. گزارش معاونت پژوهشی وزارت نفت. همایش صنعت نفت دانش‌بنیان، تبلور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، فروردین ۱۳۹۵.

۳. مقصود، سامانه الکترونیکی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی <http://rc.majlis.ir/fa/law/search> است که تمامی قوانین و مقررات کشور را از جمله مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصوبات شورای انقلاب، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مصوبات هیات وزیران و ... ارائه می‌نماید.

محقق نگردیده است.

توجه به موضوع نوسازی، نگهداشت و تعمیرات این تجهیزات، ارزش اقتصادی این پروژه‌ها را بیش از پیش نمایان می‌سازد. به گزارش توردو و آنوتی^۱ (۲۰۱۳)، سالیانه تنها ۱/۵ الی ۲ درصد ارزش دارایی‌ها، صرف هزینه نوسازی، نگهداشت و تعمیرات می‌گردد. به اعتبار گزارش مدیر کل راهبری نظام نگهداری و تعمیرات معاونت امور مهندسی وزارت نفت (۱۳۹۴)، این عدد در ایران حدود ۲/۵ برابر شرکت‌های پیشرو بین‌المللی نفت می‌باشد. «از عمر تأسیسات صنعت نفت و گاز کشور بیش از ۶۰ سال می‌گذرد. روزانه ۲۰ مورد سوراخ لوله‌های نفت گزارش می‌شود و نوسازی تجهیزات نفت نیازمند ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌باشد»^۲.

۲. ساز و کارهای سازماندهی ارزیابی منابع حقوق نفت در توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات

اگرچه هنوز در جامعه مدیران ارشد و حتی کارشناسان نفت در خصوص ضرورت حمایت دستگاه نفت کشور^۳ از ساخت داخل تجهیزات نفتی اتفاق نظر وجود ندارد، لیکن تجربه کشورهای مشابه، نشان از اهمیت موضوع توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی برای دستگاه نفت و به طور کلی حاکمیت آنها دارد. مطالعه توردو و همکاران^۴ (۲۰۱۳) در برزیل و آنگولا، معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت (۱۳۹۳) در نروژ و لایانتو^۵ (۲۰۱۵) در اندونزی به وضوح مؤید اهمیت موضوع توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی در کشورهای تولیدکننده نفت مذکور بوده و برنامه‌های گسترده توسعه صنایع ساخت تجهیزات نفتی در این کشورها را تشریح می‌نماید.

در ایران، از یک سو برخی بر این باورند که این مقوله، موضوعاً خارج از حوزه صنعت نفت است زیرا که هدف اصلی مدیریت بخش بالادستی نفت، نهایتاً تولید صیانتی از مخازن نفتی و حداکثرسازی ارزش اقتصادی ذخایر از طریق افزایش ضریب بازیافت می‌باشد و لذا برای تحقق این هدف، می‌بایستی به جای برنامه‌ریزی برای ساخت تجهیزات نفت در داخل کشور، بهترین و

1. Tordo and Anouti.

۲. وزیر نفت، ۲۰ بهمن ۱۳۹۶.

۳. مقصود، وزارت نفت، شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های اصلی تابعه است.

4. Tordo et al.

5. Layanto.

مناسب‌ترین فناوری‌های موجود را از بازارهای بین‌المللی خریداری کرد. از سوی دیگر، آنان که اهمیت این مقوله را می‌پذیرند در مورد راهکارهای آن اختلاف نظر دارند: قراردادهای نفتی با شرکت‌های نفتی بین‌المللی، حمایت‌های مالی از سازندگان داخلی تجهیزات نفتی و تضمین بازار فروش برای تولیدات آنها، سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های خارجی برای ساخت داخلی تجهیزات نفتی، تأسیس و توسعه پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها و سایر مراکز علمی-فنی در داخل صنعت نفت و تعامل بیشتر این صنعت با دانشگاه‌ها، به عنوان راهکارهای مناسب برای حصول آن مطرح شده و در برخی موارد به مرحله اجرا رسیده، اما معمولاً نتایج مورد انتظار حاصل نشده است (درخشان و تکلیف، ۱۳۹۴: ۳۴).

به طور کلی، منابع حقوق نفت شامل قراردادهای نفتی، قوانین ملی مرتبط با نفت، معاهدات دو و چندجانبه، مقررات حقوق بین‌الملل، حقوق عرفی نفت و نظریات علمای حقوق می‌باشد (شیروی، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷). برای مشخص شدن حدود بحث نسبت به احصاء منابع حقوق مرتبط با موضوع این تحقیق، توجه به بازارهای موجود برای تقاضای تجهیزات نفتی مورد استفاده در بخش بالادستی که در داخل کشور ساخته می‌شوند، ضروری می‌باشد.

به طور کلی، بازار صنایع ساخت تجهیزات که در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز کشور کاربرد دارد، از دو بازار فعال تشکیل می‌شود: بازار اول، به کارگیری این تجهیزات در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز کشور و بازار دوم، صادرات این تجهیزات برای استفاده در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز دیگر کشورها. در بازار اول، ظهور تقاضا برای تجهیزات ایرانی در عملیات اکتشاف، توسعه و یا در طول بهره‌برداری از یک میدان نفتی یا گازی در کشور، وابستگی زیادی به شخصی دارد که عامل عملیات مربوطه در بخش بالادستی محسوب می‌گردد.

با توجه به حجم عظیم و گسترده عملیات بالادستی و با عنایت به طول عمر یک میدان نفتی یا گازی، چنانچه شرکت ملی نفت ایران به موجب یک قرارداد نفتی بالادستی، یک یا چند بخش و یا احیاناً تمام عملیات بالادستی یک میدان را برای مدتی (که این مدت منوطاً از طول عمر میدان کوتاه‌تر است) به یک یا چند واحد عملیاتی یا اشخاص حقیقی یا حقوقی در داخل یا خارج از کشور واگذار کرده باشد، آنگاه طرف مقابل شرکت ملی نفت ایران در قرارداد، متقاضی و خریدار تجهیزات ساخت داخل خواهد بود. در چنین شرایطی، قوانین و

مقررات موضوعه و الزامات مندرج در قرارداد مذکور به ترغیب، تشویق یا الزام طرف قرارداد با شرکت ملی نفت، برای خرید تجهیزات داخلی کمک می‌نماید. بدیهی است در طول عمر میدان، در هر زمانی که عملیات بالادستی یک میدان به غیر واگذار نشده باشد، آنگاه شرکت ملی نفت ایران می‌تواند طرف خریدار تجهیزات ساخت داخل باشد.

در بازار دوم و برای به کارگیری تجهیزات ساخت داخل در صنایع نفت و گاز دیگر کشورها، دو روش مشخص وجود دارد. روش اول، ایجاد شرکت‌های سازنده تجهیزات نفتی برای دستیابی به نشان (برند) در این زمینه است. امروزه در سطح جهان، شرکت‌های خاصی هستند که با دستیابی به نشان (برند)، توانسته‌اند مخاطبان خود را در میدانی نفت و گاز سراسر جهان یافته و نیازهای تجهیزاتی بالادستی آنان را به کالاهای خود منحصر نمایند.^۱ روش دوم، ایجاد شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید در سطح بین‌المللی می‌باشد تا با استفاده از این شرکت‌ها در دریافت قراردادهای نفتی بالادستی در سایر کشورها، امکان استفاده از تجهیزات ساخت داخل با پذیرش ریسک از سوی شرکت‌های ایرانی فراهم گردد. متأسفانه تاکنون هیچ‌یک از روش‌های مذکور در صادرات تجهیزات ساخت داخل عملیاتی نشده است.

بنابراین در بازار دوم و برای به کارگیری تجهیزات ساخت داخل در صنایع نفت و گاز دیگر کشورها، می‌توان دو نوع خریدار تعریف نمود. یکی از انواع خریداران تجهیزات ساخت داخل، می‌تواند جزء شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید باشند که به واسطه یک قرارداد نفتی، موفق به پذیرش عملیات بالادستی در صنایع نفت و گاز دیگر کشورها شده‌اند. گروه دوم شرکت‌های نفتی خارجی و یا شرکت‌های ملی نفت دیگر کشورها هستند که برای بخش‌های بالادستی صنایع نفت و گاز خود از تجهیزات ساخت ایران استفاده می‌نمایند. جدول ۲ توصیفی از بازارهای قابل وقوع برای تجهیزات ساخت داخل را به تصویر می‌کشد.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به نشان TB, RollsRoyce و Klark در ساخت کمپرسور اشاره نمود. همچنین معروف‌ترین شرکت‌های سازنده تجهیزات نفتی عبارتند از:

Baker International, Haliburton, Hughes Tools, Schlumberger, Smith International, Dresser Industries, Weatherford.

خاطر نشان می‌شود که اکثر شرکت‌های معتبر سازنده تجهیزات نفتی، آمریکایی هستند و دلیل این امر را باید در سابقه طولانی صنعت نفت در این کشور از یک سو و رشد دانش‌های بنیادین و عملیاتی در صنعت و ظرفیت جذب و زمینه‌های مناسب برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها جستجو کرد. به عنوان مثال، شرکت هیوز تولز در سال ۱۹۰۸ تحت عنوان شرکت «شارپ-هیوز تولز» و به منظور ساخت تجهیزات لازم برای حفاری چاه‌های نفتی در آمریکا تأسیس شد و هم‌اکنون یکی از بزرگترین سازندگان ابزار و تجهیزات فنی به‌ویژه برای صنعت نفت است (درخشان و تکلیف، ۱۳۹۴: ۵۰).

جدول ۲ - بازارهای قابل تعریف برای تجهیزات ساخت داخل

محل مصرف	خریدار	قالب قراردادی
داخل کشور	شرکت نفتی خارجی	قرارداد فرعی ذیل قرارداد بالادستی
	شرکت اکتشاف و تولید ایرانی	قرارداد خرید کالا از سازندگان داخلی
خارج از کشور	شرکت نفتی خارجی	قرارداد فرعی ذیل قرارداد بالادستی
	شرکت اکتشاف و تولید ایرانی	برحسب توافق

مأخذ: مطالعات تحقیق

از منظر حمایت در به کارگیری تجهیزات ساخت داخل، قراردادهای نفتی بالادستی ایران که در حال حاضر قابل استفاده می‌باشند همگی متأثر از قوانین جاری کشور هستند. در حال حاضر صرفاً قالب قراردادی خدمت شامل الگوی قرارداد جدید نفتی ایران (موسوم به IPC) و الگوی بیع متقابل امکان استفاده در بالادستی صنایع نفت و گاز ایران را دارند. تنها قانون ناظر بر حمایت از تجهیزات نفتی ساخت داخل در الگوی قرارداد جدید نفتی ایران (موسوم به IPC)، قانون حداکثر (۱۳۹۱)^۱ است که در بند "ب" از ماده ۴ تصویب‌نامه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۳ هیئت وزیران با عنوان شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران به آن اشاره شده است.

مطابق ضمیمه N قرارداد بیع متقابل، پیمانکار در صورتی مکلف به استفاده از ظرفیت و توان داخلی است که کالاها، تجهیزات و خدمات مورد نیاز پروژه، به اندازه کافی و با قیمت و کیفیت مناسب در بازارهای داخلی موجود باشند؛ در غیر این صورت پیمانکار قادر است اقلامی که در بازار ایران موجود نبوده یا از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند و یا از نظر قیمت، قابل رقابت با نوع خارجی خود نباشند را از خارج از کشور وارد کند. در این راستا پیمانکار مکلف است «برنامه حداکثر استفاده از توان ایرانی»^۲ را تهیه کرده و به «کمیته فرعی مشترک برای بهره‌برداری از ظرفیت ایرانی»^۳ ارائه دهد. این کمیته نیز برنامه تهیه شده توسط پیمانکار را

۱. مقصود، «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات - مصوب سال ۱۳۹۱» است که برای رعایت اختصار از این قانون به عنوان «قانون حداکثر (۱۳۹۱)» یاد می‌شود.

2. Iranian Content Plan.

3. JICSC: Joint Iranian Content Subcommittee.

بر اساس «ساختار تجزیه و تفکیک کارها»^۱ و نقش ظرفیت‌ها و توان داخلی در هریک از کارهای مذکور، توسعه داده و برای تصویب به کمیته مدیریت مشترک تحویل می‌دهد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۸۷۲-۸۷۰). این شرایط لحاظ شده در الگوی قراردادهای بیع متقابل، یک شرایط خلق الساعه نیست و برگرفته از ماده ۲۴ قانون نفت ۱۳۵۳ می‌باشد که بیان می‌کند: «کالاها و خدمات مورد نیاز عملیات در هر قرارداد از منابع داخلی کشور تهیه و تحصیل خواهد شد. استفاده از کالاها و خدمات خارجی وقتی مجاز خواهد بود که کالاها و خدماتی که در ایران تهیه و عرضه می‌شود به تشخیص شرکت ملی نفت ایران از لحاظ کیفیت برای رفع نیازمندی عملیات مناسب نباشد و یا به مقادیر مورد نیاز در دسترس نباشد و یا آن که قیمت کالاها و خدمات عرضه شده در ایران به تشخیص شرکت ملی نفت بیش از بیست درصد از قیمت کالاها و خدمات خارجی گرانتر باشد» (سامانه قوانین).

از سوی دیگر، قراردادهای خرید کالا از سازندگان داخلی که توسط شرکت ملی نفت یا شرکت‌های اصلی تابعه با سازندگان ایرانی تجهیزات منعقد می‌گردند، همگی متأثر از قوانین جاری کشور، به ویژه قوانین الزام سهم داخل می‌باشند. باید توجه داشت که «الزام سهم داخل در حال حاضر یک الزام مطلق است که در هر حال می‌بایست رعایت شود. بنابراین برخلاف وضعیت قبلی، الزام سهم داخل مشروط یا مقید به عوامل چهارگانه پروژه یعنی قیمت، زمان، کیفیت و کمیت نمی‌باشد. تعیین درصد ثابت و الزام به رعایت آن بدون در نظر گرفتن چهار عامل اصلی پروژه‌های نفت و گاز به دلیل ماهیت خاص فناوری محوری و ایمنی مورد نیاز، گاهی اوقات دارای نتیجه عکس بوده و باعث می‌شود ضمن آنکه هزینه اجرای پروژه بالا رود، کیفیت و ایمنی انجام کار نیز به طور اساسی تحت الشعاع قرار گیرد» (قاسمی مقدم، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

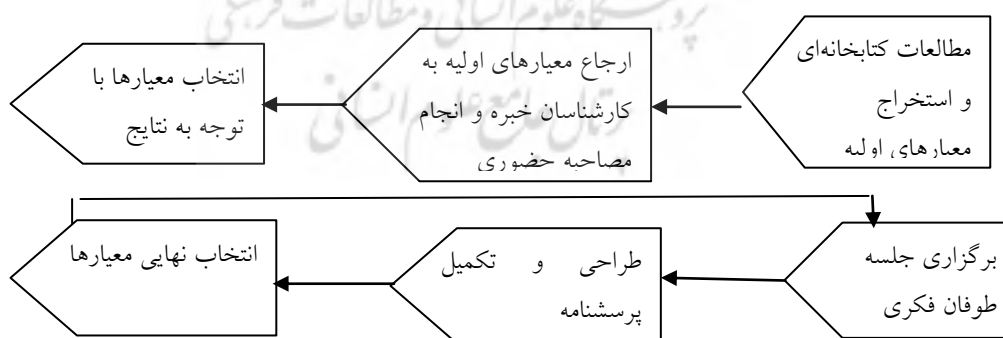
بنابراین، با توجه به اینکه: الف- بازار صادرات تجهیزات ساخت داخل فعال نمی‌باشد و به کارگیری تجهیزات صرفاً در بازار داخل موضوعیت دارد؛ ب- قراردادهای نفتی بالادستی کشور (که در حال حاضر امکان استفاده دارند) و قراردادهای خرید کالا از سازندگان داخلی تماماً متأثر از قوانین جاری کشور می‌باشند، لذا در این مقاله، قوانین ملی مرتبط با نفت ارزیابی می‌شوند. هرچند، حمایت قوانین ملی نفت نسبت به تقویت حضور سازندگان داخلی در بازارهای منطقه‌ای و جهانی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳. فرآیند ارزیابی کفایت منابع حقوق نفت در موضوع بحث

برای ارزیابی منابع حقوق نفت نسبت به حمایت از ساخت داخل تجهیزات صنعت نفت، به سنجه‌ها و معیارهای استاندارد نیاز است. برای شناسایی این سنجه‌ها، ابتدا با مرور ادبیات موضوع و با نگرش به چالش‌های موجود در توسعه صنعت ساخت داخل تجهیزات بخش بالادستی نفت و گاز کشور و همچنین با بهره‌گیری از سیاست‌های کلان کشور بویژه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های برنامه ششم توسعه کشور، معیارهای اولیه‌ای استخراج گردید. سپس به منظور استانداردسازی معیارها و افزایش دقت در انتخاب آنها، معیارهای انتخاب شده به ۱۰ نفر از کارشناسان خبره ارجاع گردید و از طریق مصاحبه حضوری مورد بحث قرار گرفت. پس از تحلیل نتایج، معیارهای ابتدایی به چهار معیار تقلیل یافت. برای پالایش دقیق اطلاعات و معیارها و حصول اطمینان از صحت انتخاب، یک جلسه طوفان فکری به اتفاق تمامی کارشناسان مرتبط برگزار گردید و تمامی معیارها به بحث گذاشته شد. تعدادی از معیارها حذف و تعدادی نیز اضافه شد.

به منظور پیشگیری از ضایعه تفکر گروهی که در آن افراد تحت تأثیر یکدیگر به عوامل رای می‌دهند، پرسشنامه‌ای تهیه شده و یک هفته پس از جلسه، بین آنان توزیع گردید. نتایج تحلیل با خروجی جلسه مطابقت داشت. شکل ۱ مراحل شناسایی معیارها را نشان می‌دهد:

شکل ۱- مراحل شناسایی معیارهای استاندارد برای ارزیابی کفایت منابع حقوق نفت



۴. انتخاب کارشناسان برای پاسخگویی به سوالات

کارشناسان مرتبط با حوزه ساخت داخل تجهیزات صنایع بالادستی از درون بازیگران این صنعت قابل انتخاب می‌باشند. بازیگران صنعت ساخت تجهیزات نفتی، در سه گروه قابل تقسیم می‌باشند.

بازیگران گروه اول، سازندگان تجهیزات صنعت نفت و گاز کشور می‌باشند. این گروه بازیگران، تشکلی را جهت سامان دادن به امور مشترک واحدهای خود با عنوان انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایجاد نموده‌اند. بازیگران گروه اول را می‌توان به عنوان «بخش عرضه» تلقی نمود، زیرا این گروه از سازندگان هستند که تجهیزات نفتی ساخت داخل را به بازار عرضه می‌نمایند.

بازیگران گروه دوم، پیمانکاران^۱ فعال در صنایع بالادستی نفت کشور قرار دارند. این پیمانکاران، عامل عملیات بالادستی محسوب می‌شوند. این گروه به عنوان «بخش تقاضا» قلمداد شده، چون تقاضای بازار داخل توسط این گروه از بازیگران به منصفه ظهور می‌رسد.

بازیگران گروه سوم، به عنوان «بخش هماهنگ کننده» قابل تفکیک می‌باشند. در این گروه، وزارت نفت، شرکت ملی نفت و شرکت‌های اصلی نفت کشور قرار دارند. به موجب قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و اساسنامه هفتم شرکت ملی نفت ایران، وظایف و مسئولیت‌هایی در حوزه حمایت از ساخت تجهیزات نفتی به عهده بخش هماهنگ کننده گذاشته شده است. این بخش که حلقه واسط بین بخش عرضه و بخش تقاضا محسوب می‌گردند، نقش کلیدی در چگونگی مدیریت به کارگیری تجهیزات ساخت داخل به عهده دارند.

به منظور پیشگیری از اثر مداخله سلیق سازمانی در نتیجه مطالعه، معیارهای ابتدایی به کارشناسان خبره در بازیگران گروه سوم ارجاع شده است. متأسفانه سلیق سازمانی و دیدگاه‌های غیرعلمی در عملکرد گروه بازیگران اول و دوم به شدت مشاهده می‌گردد. محققان در طول تحقیق خود در همایش‌ها و سخنرانی‌های متعددی حضور یافته و مصاحبه‌هایی نیز با کارشناسان گروه اول و دوم ترتیب دادند که در موارد بسیاری با این نقیصه

۱. از واژه پیمانکار به این دلیل استفاده گردیده است که به موجب قوانین کشور، استفاده از قالب قراردادی غیر از قراردادهای خدمت در ایران امکان‌پذیر نمی‌باشد. عامل در قراردادهای خدمت، پیمانکار است (امانی، ۱۳۸۹).

مواجه گردیدند.

به عنوان مثال، منتظر (۱۳۹۴) در نشست چالش‌های حقوقی میادین مشترک به ارائه‌ای با موضوع «چالش‌های حقوقی شرکت‌های پیمانکار ایرانی در میادین مشترک» پرداخته و موضوع الزام شرکت‌های پیمانکار به خرید تجهیزات از داخل را یک چالش جدی قلمداد نمود و بیان داشت: «خوشبختانه با ابلاغ ماده ۱۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، این چالش کمرنگ گردیده است»^۱.

از سوی دیگر، خیامیان (۱۳۹۵)، رئیس هیات مدیره انجمن سازندگان تجهیزات نفت در همایش «صنعت نفت دانش‌بنیان؛ تبلور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی»، سازندگان داخلی را نسبت به ساخت تمامی انواع تجهیزات مورد نیاز در صنعت نفت توانمند دانسته و ضمن اعلام بی‌نیازی نسبت به انواع حمایت‌ها، تنها چالش موجود را عدم تبعیض سازندگان خارجی نسبت به داخلی معرفی می‌نماید.

مصاحبه محققان با طیبی (۱۳۹۵)، متولی ساخت مته حفاری در برنامه ساخت ۱۰ گروه قلم کالاهای مورد نیاز در بالادستی صنعت نفت و گاز کشور، نشان از آن دارد که سازندگان داخلی اعتقاد دارند به دلیل تمایل به استفاده از کالاهای خارجی، فرآیند به کارگیری تجهیزات ساخت داخل به گونه‌ای است که استفاده اصولی از تجهیزات صورت نگرفته تا این تجهیزات را ناکارآمد جلوه دهند. به دور از قضاوت در خصوص این ادعا و همچنین فارغ از توجه به گرایش‌های درون‌گروهی در دسته اول و دوم از گروه بازیگران صنعت ساخت تجهیزات نفتی، این مسئله به تنهایی نشان دهنده عدم وجود اعتماد متقابل بین این دو گروه مهم در صنعت مذکور است.

مذاکره و مصاحبه با کارشناسان گروه سوم، نتایج قابل قبولی برای محققان به همراه داشته است. در این خصوص، بهترین مرجع برای استفاده از نظرات کارشناسی، مدیریت پشتیبانی ساخت و تأمین کالای شرکت ملی نفت است که به عنوان واحد هماهنگ‌کننده انتخاب گردید.

۱. نکته حائز توجه آن است که منتظر به عنوان نماینده پیمانکاران ایرانی در پروژه‌های نفتی بالادستی، از تبعیضی که شرکت ملی نفت برای انعقاد قرارداد بین شرکت‌های نفتی خارجی و داخلی قائل است، به عنوان چالش دیگری در این زمینه یاد می‌کند.

فهرست افراد مصاحبه شده در جدول ۳ ارائه شده است. در مصاحبه‌ها ابتدا سوالاتی که قبلاً طراحی شده بودند مطرح شدند و افراد بسته به تخصص و آگاهی خود، به مسئله ورود و مطالبی را در خصوص سوالات بیان نمودند. البته علاوه بر سوالاتی که در مصاحبه‌ها مطرح شد، برخی از مصاحبه شونده‌گان نکات دیگری نیز مطرح نمودند که گرچه در حوزه اصلی مطلب مورد بحث نبود، اما اهمیت زیادی برای محققان داشت.

جدول ۳- مصاحبه شونده‌گان از بازیگران گروه سوم

ردیف	مشخصه مصاحبه شونده	محل خدمت	مدرک تحصیلی
۱	الف-۱	معاونت مهندسی و حمایت از ساخت داخل	کارشناسی ارشد
۲	الف-۲	معاونت مهندسی و حمایت از ساخت داخل	کارشناسی
۳	الف-۳	معاونت مهندسی و حمایت از ساخت داخل	کارشناسی
۴	الف-۴	معاونت مهندسی و حمایت از ساخت داخل	کارشناسی ارشد
۵	الف-۵	اداره بازرسی فنی	کارشناسی ارشد
۶	الف-۶	معاونت خدمات تخصصی	کارشناسی
۷	الف-۷	معاونت خدمات تخصصی	کارشناسی ارشد
۸	الف-۸	معاونت خدمات تخصصی	کارشناسی ارشد
۹	الف-۹	معاونت تدارکات و امور کالا	کارشناسی
۱۰	الف-۱۰	معاونت تدارکات و امور کالا	کارشناسی

پس از انجام مصاحبه‌ها، کدگذاری و نکات مهم آنها در چارچوب روش تحقیق، در خصوص معیارهای ارزیابی منابع حقوق نفت استخراج گردید.

۵. شناسایی معیارهای استاندارد برای ارزیابی کفایت منابع حقوق نفت

معیارهای انتخاب شده در چارچوب روش تحقیق برای ارزیابی منابع حقوق نفت از طریق تحلیل مصاحبه‌ها، استخراج و کدگذاری گزاره‌های موجود در مصاحبه‌ها در جدول ۴ و شکل ۲ ارائه شده است. در ادامه، هر معیار معرفی شده و سپس به ارزیابی منابع حقوق نفت از منظر این معیارها خواهیم پرداخت.

معیار اول - هم‌پایی فناوریانه صنعت ساخت تجهیزات

در ارزیابی منابع حقوق نفت در حمایت از ساخت تجهیزات نسبت به هم‌پایی فناوریانه کشور در این عرصه، به تأسی از مجیدپور (۲۰۱۶) دو موضوع حائز توجه است. چنانچه منابع حقوق نفت کشور بر دو منبع توسعه فناوری بومی (از طریق تحقیق و توسعه بومی) و انتقال بومی‌سازی دانش خارجی (از طریق انتقال فناوری بین‌المللی) تأکید داشته باشد، آنگاه حائز حمایت قوی بوده، اگر فقط به یکی از منابع فوق توجه کند، از حمایت ضعیفی برخوردار بوده و چنانچه این دو منبع را مورد نظر قرار ندهد، آنگاه می‌توان بیان داشت که منابع حقوق نفت کشور نسبت به این معیار مهم بی‌توجه است.

معیار دوم - ایجاد پوشش استاندارد برای تجهیزات

بدون شک اجرای عملیات نفتی در بخش بالادستی صنایع نفت و گاز دارای ریسک‌های بسیار زیادی است که عدم توجه به آنها می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را به صاحب مخزن و عامل عملیات بالادستی وارد نماید. یکی از اجزایی که می‌تواند نقش کلیدی در مدیریت ریسک عملیات بالادستی داشته باشد، استفاده از تجهیزات استاندارد است. بنابراین تصور اعتماد به تجهیزات فاقد استانداردهای معتبر و استفاده از آنها، تصور بیهوده‌ای بوده و از منظر ملاحظات اقتصادی، هیچ‌گاه نمی‌توان صاحب مخزن و یا عامل عملیات بالادستی را ملزم به استفاده از تجهیزات نفتی فاقد استانداردهای لازم نمود.

امروزه در صنایع بالادستی نفت و گاز جهان، عموماً از تجهیزاتی استفاده می‌شود که دارای منوگرام‌های معتبر بین‌المللی مانند ASME و API و Euro Stamp می‌باشند. وجود این منوگرام مؤید انطباق کیفیت تجهیزات موصوف با استانداردهای مرجع می‌باشد. این استانداردها نه تنها کیفیت محصول را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، بلکه ممیزی و ارزیابی آمادگی (بلوغ) فناوری در تولید محصول تجاری و تأیید خط تولید محصول را در چارچوب شبکه آزمایشگاهی مرجع به عهده دارند. بر این اساس، عامل عملیات بالادستی با آسودگی خاطر مبادرت به استفاده از تجهیزات نموده و نتایج دلخواه را نیز از مصرف این تجهیزات دریافت می‌کند. متأسفانه، تقریباً تمامی دانش فنی و لسیانس‌های خریداری شده در حوزه صنعت نفت ایران

خارجی بوده و طراحی‌های انجام شده برای تجهیزات و بویژه موارد خاص آن در همکاری تنگاتنگ شرکت صاحب لیسانس با سازندگان مورد نظر وی صورت پذیرفته و نیاز و وابستگی خریداران لیسانس را تا پایان اجرای طرح و حتی پس از آن، به مجموعه مزبور استمرار می‌بخشد. در حقیقت، زمانی که اسناد مهندسی پایه که عمدتاً خارجی هستند، تهیه می‌شوند، جدول لیست تجهیزات و ماشین‌آلات به عنوان یکی از ملزوماتی که مشخصات آن بر اساس طراحی‌های فرآیندی تعیین شده، ارائه می‌گردد.

از آنجایی که کلیه شرکت‌ها یا مراجع ارائه دهنده گواهینامه کیفیت استاندارد منشاء خارجی دارند، در حال حاضر طیف وسیعی از سازندگان داخلی با مشکلات متعددی در به دست آوردن این گواهینامه‌ها مواجه هستند و لذا این امر موجب عدم حمایت و بهره‌گیری صاحبان لیسانس و طراحان تجهیزات (اعم از داخلی یا خارجی) از دانش و تجربه حاصل شده در کشور می‌گردد. بنابراین این حوزه، به عنوان حوزه‌ای چالشی برای تجهیزات داخلی تلقی شده و تا زمانیکه این محصولات دارای نام تجاری، استانداردها و کیفیت شناخته شده نباشند توسط هیچ طراحی مورد استفاده قرار نخواهند گرفت.

از سوی دیگر، پیمانکاران صنعت نفت که موظف به رعایت زمانبندی، قیمت و مشخصه‌های کیفی در تامین تجهیزات هستند، به منظور حداقل نمودن ریسک سرمایه‌گذاری، به ناچار از تجهیزات قابل حصول و تضمین شده با قیمت مناسب استفاده می‌نمایند که طبعاً در چنین روندی، نگرش به حمایت از صنایع داخلی کمتر مدنظر واقع می‌شود.

استاندارد صنعت نفت کشور که هر ساله نیز مورد بازنگری قرار می‌گیرد، با عنوان ¹IPS شناخته شده و بر پایه استانداردهای بین‌المللی شکل گرفته که موضوع آزمایشگاه‌های مرجع و محصول در آن‌ها دیده نشده، لذا از نظر بین‌المللی، فاقد کاربرد بوده و تنها در محدوده داخلی اعمال می‌گردد.

برای اثبات این استاندارد لازم است تا محصولی که بر پایه آن ساخته شده را در آزمایشگاه‌های مرجع تست نموده و پس از تأیید، به عنوان یک محصول جدید ثبت نمود. بر این اساس، ساخت تجهیزات با کیفیت قابل قبول و استاندارد، ضامن ایجاد بازار مصرف آنها خواهد بود که اطمینان از رعایت استانداردها، حکم به ممیزی و ارزیابی خط تولید و کیفیت

این محصولات می دهد.

بر اساس نظر خبرگان، ایجاد پوشش استاندارد برای تجهیزات بالادستی جزء اولویت های اصلی حمایت از تجهیزات ساخت داخل بوده و بنابراین چنانچه منابع حقوق نفت کشور به طرق مقتضی به این مسئله توجه نمایند، آنگاه می توان منابع حقوق مذکور را مشمول حمایت مناسب قلمداد نمود. شایان توجه است که این معیار در بند ۲۴ سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز تصریح شده است.

جدول ۴- کدگذاری مصاحبه ها

مضمون ها ^۱	گزاره های موجود در مصاحبه ها	مشخصه مصاحبه شونده
هم پایی فناوریانه صنعت ساخت تجهیزات نفت و گاز	زمینه ساز استفاده سازندگان داخلی از فناوری های پیشرفته	الف-۱ و الف-۳
	زمینه ساز انتقال فناوری های پیشرفته به سازندگان داخلی	الف-۱ و الف-۴
	زمینه ساز توسعه فناوری های پیشرفته در صنایع داخلی	الف-۳ و الف-۷
ایجاد پوشش استاندارد برای تجهیزات	پیشران توسعه دانش تجهیزات نفتی در دانشگاه ها و مراکز تولید علم و فناوری	الف-۱-الف-۳ و الف-۶
	متضمن ایجاد امکانات لازم برای تخصیص گواهینامه استاندارد به تجهیزات داخلی	الف-۵ و الف-۹
ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز	زمینه ساز انجام تست های لازم مطابق با استانداردهای API	الف-۲ و الف-۵ و الف-۸
	توجه جدی به موضوع ساخت داخل در قراردادهای نفتی	الف-۹ و الف-۱۰
	لزوم تفکیک فرآیندهای فناوریانه از کالاهای فناوریانه در عملیات بالادستی	الف-۳-الف-۶
نشان سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان	لزوم سنجش میزان استفاده از تجهیزات ساخت داخل در سرریز فناوری های حاصل از ساخت	الف-۱ و الف-۲ و الف-۱۰
	الزام پیمانکاران خارجی به صادرات محصولات ایرانی	الف-۶
ایجاد پیمانکاران عمومی قوی و الزام به استفاده از محصولات ایرانی در فعالیت های بین المللی	دعوت از شرکتهای معتبر برای ایجاد پایگاه ساخت تجهیزات در داخل	الف-۳ و الف-۱۰
		الف-۱-الف-۴ و الف-۷

1. Theme

معیار سوم - توجه به توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز کشور

در بند ۱۵ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که مورد توجه و تأکید کارشناسان خبره حوزه ساخت تجهیزات نفتی قرار دارد به «افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز» اشاره شده است. بدیهی است زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز صرفاً حرکت به سوی دستیابی به محصولات نهایی در بخش‌های پایین دستی نیست. همان‌گونه که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تصریح شده، تکمیل زنجیره ارزش در صنعت نفت و گاز مورد تأکید بوده و لذا با توجه به اهمیت صنایع ساخت تجهیزات نفتی، توسعه این صنایع به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت تلقی می‌گردد. بر این اساس منابع حقوق نفت را در صورتی می‌توان با شرایط حمایتی مناسب قلمداد نمود که به توسعه صنعت ساخت تجهیزات به عنوان بخشی از زنجیره ارزش صنعت بزرگ نفت کشور توجه نماید.

معیار چهارم - نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان

در قسمت دوم بیان شد که به طور کلی، به کارگیری تجهیزات ساخت داخل که در بخش بالادستی صنعت نفت و گاز کاربرد دارد، به دو حالت امکان‌پذیر است. در حالت دوم، دو روش مشخص وجود دارد. ایجاد شرکت‌های سازنده تجهیزات نفتی برای دستیابی به نشان (برند) در این زمینه و ایجاد شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید در سطح بین‌المللی. چنانچه منابع حقوق نفت کشور بر این دو روش تأکید داشته باشد، آنگاه حائز حمایت قوی بوده، اگر فقط به یکی از موضوعات فوق توجه کنند، از حمایت ضعیفی برخوردار بوده و چنانچه این دو موضوع را مورد نظر قرار ندهند، آنگاه می‌توان بیان داشت که منابع حقوق نفت کشور نسبت به این معیار مهم بی‌توجه است.



شکل ۲- الگوی مضمون‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها

۶. بررسی منابع حقوق نفت کشور در حمایت از ساخت داخلی تجهیزات صنعت نفت
 در این قسمت تلاش می‌شود تا تمامی قوانین مرتبط با نفت، شامل قوانین اصلی نفت کشور، قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران و قوانین مربوط به الزام سهم داخل از منظر حمایت از ساخت داخل تجهیزات صنعت نفت در چارچوب معیارهای چهارگانه استخراج شده بررسی شود.

۱-۶. قوانین اصلی نفت کشور

قوانین اصلی نفت در ایران که تقریباً در تمامی متون و مطالعات علمی از آنها یاد می‌شود به لحاظ تاریخی عبارتند از:

- قانون اول: قانون مربوط به تفحص، اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره مصوب ۱۳۳۶؛

- قانون دوم: قانون نفت سال ۱۳۵۳؛

- قانون سوم: قانون نفت سال ۱۳۶۶؛

- قانون چهارم: قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ مصوب ۱۳۹۰ (غفاری و تکلیف، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

بررسی قوانین اول و دوم نفت کشور از دیدگاه موضوع این مطالعه نشان دهنده آن است که قانونگذار تنها به شرایط رجحان تجهیزات داخلی نسبت به خارجی به شرح جدول شماره ۵ پرداخته است.

جدول ۵ - حمایت از ساخت داخل در قوانین اول و دوم نفت کشور

عنوان	تاریخ تصویب	شرط رجحان تجهیز داخلی به خارجی	مرجع تشخیص رجحان
قانون اول	۷ مرداد ۱۳۳۶	نوع جنس و قیمت و سهل‌الحصول بودن آن در موقع لزوم به مقادیر مورد نیاز و قابل مصرف بودن آن در موردی که برای آن منظور شده	—
قانون دوم	۸ مرداد ۱۳۵۳	کیفیت، مقادیر مورد نیاز، قیمت (تا سقف ۲۰ درصد کالاهای مشابه خارجی)	شرکت ملی نفت ایران

مأخذ: امور حقوقی^۱

اینکه ما در بررسی تاریخی نحوه حمایت از ساخت داخل تجهیزات نفتی در دو قانون نفت اول و دوم، موفق به ارائه سوابقی شده‌ایم، در واقع ثمره آن است که قوانین نفت مذکور شرایط و ضوابط انعقاد قراردادهای نفتی را تشریح کرده بودند. از آنجایی که در قانون نفت سال ۱۳۶۶، به چگونگی انعقاد قراردادهای نفتی اشاره‌ای نشده است، لذا می‌توان بیان داشت که این قانون به

۱. خاطر نشان می‌شود «مجموعه امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز و پتروشیمی پیش از مشروطیت تاکنون» در سه مجلد شامل ۲۶۶۳ صفحه پیوسته در جلد‌های اول و دوم و ۳۶۹ صفحه در جلد سوم در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۹ به چاپ رسیده و در سال ۱۳۹۳ ویرایش و تجدید چاپ شده است. این مرجع رسمی، از این به بعد به اختصار تحت عنوان «امور حقوقی» ذکر خواهد شد.

لحاظ محتوایی تفاوت‌های چشمگیری با دو قانون قبلی دارد. ساز و کار انعقاد قراردادهای نفتی در قانون سوم را ماده ۵ این قانون تعیین کرده است: «انعقاد قراردادهای مهم فی مابین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم، تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید»، متأسفانه چنین آیین‌نامه‌ای هیچگاه تهیه نشد (درخشان، ۱۳۹۲: ۷۸). بنابراین قانون نفت سال ۱۳۶۶ به نحوه به کارگیری تجهیزات ساخت داخل مشابه با سایر مسائل مطرح در قراردادهای نفتی اشاره‌ای ننموده و لذا نمی‌توان رویکرد حاکم در این قانون را شناسایی نمود. در قانون چهارم، اصلاحیه‌ای بر ماده ۵ قانون نفت سوم ایران در خصوص شرایط انعقاد قراردادهای نفتی اعمال نشده و بنابراین پیش‌بینی دقیقی نسبت به حمایت از ساخت تجهیزات نفتی لحاظ نشده است.

از دیدگاه معیارهای ارزیابی چهارگانه، در قانون سوم نفت، موضوع توسعه فناوری بومی به صورت کلی و بدون اشاره خاص به توسعه فناوری بومی در ساخت تجهیزات، در ماده ۱۰ اشاره شده است. با توجه به عدم تغییر این ماده در قانون اصلاح قانون نفت ۱۳۶۶ مصوب ۱۳۹۰ (قانون چهارم)، لذا موضوع توسعه فناوری بومی در قانون چهارم نیز به همان شکل باقیمانده است.

جدول ۶- ارزیابی قوانین اصلی نفت کشور^۱

معیار ارزیابی						قوانین اصلی نفت کشور
نشان سازی تجاری و تقویت صادرات		توسعه صنایع ساخت تجهیزات	ایجاد پوشش استاندارد	هم‌پایی فناورانه		
حمایت شرکت‌های E&P	نشان سازی	به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت	پوشش استاندارد	انتقال فناوری بین‌المللی	توسعه فناوری بومی	
O	O	O	O	O	O	قانون اول
O	O	O	O	O	O	قانون دوم
O	O	O	O	O	+	قانون سوم
O	O	O	O	O	+	قانون چهارم

منبع: بررسیهای تحقیق

۱. در تمامی جداول ارزیابی در این قسمت، شامل جداول ۶، ۸ و ۹ مشخصه (++) بیانگر حمایت کامل هر منبع حقوقی، مشخصه (+) نشان دهنده حمایت ضعیف و مشخصه (O) حاکی از عدم حمایت منبع حقوقی مورد بحث است.

۲-۶. اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران

از ابتدای تشکیل شرکت ملی نفت ایران تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پنج‌بار در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت تجدید نظر شد^۱، لیکن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علی‌رغم تأکیدات مکرر قانونگذار، نهایتاً در سال ۱۳۹۵، اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مورد تجدید نظر قرار گرفت. در جدول ۷ به بررسی موضوع این مقاله در اساسنامه‌های قبلی شرکت ملی نفت ایران پرداخته شده است.

جدول ۷- حمایت از ساخت داخل در قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت پیش از انقلاب اسلامی

عنوان	تاریخ تصویب	شروط رجحان تجهیز داخلی به خارجی	مرجع تشخیص رجحان	موارد قابل توجه
اساسنامه اول	۵ آذر ۱۳۳۱	مرغوبیت و ارزش جنس و رعایت مصالح اقتصادی	نامشخص	—
اساسنامه دوم	۲۵ دی ۱۳۳۳	مرغوبیت و ارزش جنس و رعایت مصالح اقتصادی	نامشخص	—
اساسنامه سوم	۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۹	مرغوبیت و ارزش جنس و رعایت مصالح اقتصادی	نامشخص	اضافه کردن عبارت «... که در ایران نظیر آن ساخته نمی‌شود...» به ماده ۷ است که در آن، شرکت ملی نفت ایران را مجاز به واردات انواع تجهیزات نموده و در هر سه اساسنامه تکرار شده است.
اساسنامه چهارم	۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۷	قیمت و مقدار و نوع و مرغوبیت و مشخصات	شرکت ملی نفت ایران	مشابه اساسنامه سوم
اساسنامه پنجم	۲۰ مرداد ۱۳۵۳	قیمت و مقدار و نوع و مرغوبیت و مشخصات	نامشخص	تصریح «تشخیص شرکت ملی نفت ایران» بر رجحان استفاده از کالای داخلی نسبت به کالای خارجی در مقایسه با اساسنامه چهارم حذف شده

۱. برای مطالعه دقیق در خصوص ویژگی‌های اساسنامه‌های قبلی شرکت ملی نفت ایران به طاهری فرد و همکاران (۱۳۹۴) مراجعه کنید.

است. همچنین در کمال ناپاوری، محدودیت اعمال شده در واردات کالاهای خارجی در صورت وجود مشابه داخلی که در اساسنامه‌های سوم و چهارم اضافه شده بود، از این اساسنامه حذف شده است.				
اضافه کردن نام «شرکت‌های فرعی و وابسته (به شرکت ملی نفت ایران)» جهت استفاده از محصولات و مصنوعات کشور می‌باشد.	نامشخص	قیمت و مقدار و نوع و مرغوبیت و مشخصات	۱۷ خرداد ۱۳۵۶	اساسنامه ششم

مأخذ: امور حقوقی

از دیدگاه معیارهای ارزیابی چهارگانه، در بند چهارم و نهم ماده ۴ اساسنامه اول، در بند "ب" ماده ۴ و بند "د" و بند "ط" ماده ۵ اساسنامه دوم، در بند "ج" ماده ۴ و بند "ه" و "ح" ماده ۵ اساسنامه سوم و در بند "ج" ماده ۴ و بند "و" و "ط" اساسنامه‌های چهارم، پنجم و ششم با استفاده از مفاد نسبتاً مشابه، به ترتیب به «حمایت از ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت» و «نشان‌سازی» توجه شده است. با توجه به مفاد بندهای مذکور، این حمایت‌ها به ترتیب «کامل» و «ضعیف» ارزیابی می‌گردند.

در اساسنامه هفتم، محتوای حمایت از صنایع داخلی ساخت تجهیزات دگرگون شده و در قالب جدول ۷ قابل تبیین نمی‌باشد. در این اساسنامه، اولاً «کمک و حمایت از شرکت‌های ایرانی دانش‌بنیان و اشخاص ایرانی راجع به طراحی و تولید تجهیزات مورد نیاز عملیات موضوع فعالیت شرکت در داخل کشور» جزء وظایف و اختیارات این شرکت منظور شده است. ثانیاً، «استفاده از شرکت‌های دارای نشان دانش‌بنیان در طراحی و تولید تجهیزات مورد نیاز در داخل کشور و استفاده از تولیدات داخلی در فعالیت‌های شرکت» جزء وظایف و اختیارات مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران به عنوان بالاترین مقام اجرایی این شرکت قرار دارد. در کنار این موارد، اساسنامه هفتم به گونه‌ای طراحی شده که تغییر نگرش محسوسی به صنعت نفت «از تولیدکننده و فروشنده نفت خام به یکی از موتورهای محرکه برای توسعه صنعتی کشور» را می‌توان از آن برداشت نمود. به عنوان نمونه، اعطای وظیفه «سرمایه‌گذاری مستقل یا مشترک در فعالیت‌های

مرتبط با موضوع شرکت^۱ در داخل و خارج کشور براساس سیاست‌ها و راهبردهای وزارت نفت» به شرکت ملی نفت ایران و مسئولیت تهیه بسته کمک و حمایت از شرکت‌های داخلی، به ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان و تشکل‌های صادراتی، مشتمل بر حمایت‌های فناوری، پژوهشی، تولیدی، حقوقی و بازرگانی را به منظور بهره‌برداری در داخل کشور و صادرات آنها در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی جهت افزایش توان صادراتی و ارتقای توان مهندسی، علمی، پژوهشی، فناوری، خدماتی، تولید و توسعه صنعت نفت کشور با هدف ایجاد شرکت‌های ایرانی دارای نشان (برند) به هیئت مدیره شرکت ملی نفت، از جمله آن است.

از این رو، می‌توان اساسنامه هفتم را در «توسعه فناوری بومی»، «نشان‌سازی»، «حمایت از شرکت‌های اکتشاف و تولید داخلی» و «حمایت از ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت» دارای حمایت مناسب ارزیابی نمود. بر این اساس، قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران در قالب جدول شماره ۸ از دیدگاه موضوع این مطالعه ارزیابی می‌شوند.

جدول ۸- ارزیابی قوانین اساسنامه شرکت ملی نفت

معیار ارزیابی						قوانین اساسنامه شرکت ملی نفت
نشان سازی تجاری و تقویت صادرات		توسعه صنایع ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت	ایجاد پوشش استاندارد	هم‌پایی فناورانه		
حمایت شرکت‌های E&P	نشان سازی			انتقال فناوری بین‌المللی	توسعه فناوری بومی	
O	+	++	O	O	O	اساسنامه اول
O	+	++	O	O	O	اساسنامه دوم
O	+	++	O	O	O	اساسنامه سوم
O	+	++	O	O	O	اساسنامه چهارم
O	+	++	O	O	O	اساسنامه پنجم
O	+	++	O	O	O	اساسنامه ششم
++	++	++	O	O	++	اساسنامه هفتم

منبع: بررسی‌های تحقیق

۱. به استناد ماده ۵ اساسنامه، موضوع فعالیت شرکت عبارت است: از مدیریت و راهبری فعالیت‌های تصدی و انجام عملیات بالادستی نفت و صنایع وابسته و نیز تجارت نفت در داخل و خارج از کشور در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

۳-۶. قوانین مربوط به «الزام سهم داخل»

انجمن حفاظت از محیط زیست صنعت نفت بین‌المللی^۱ (۲۰۱۱)، الزام سهم داخل را نوعی ارزش افزوده ایجاد شده برای کشور میزبان حاصل از فعالیت‌های صنعت نفت و گاز و از طریق محاسبه مجموعه عوامل سرمایه‌گذاری به منظور توسعه دانش و اشتغال نیروی کار و همچنین توسعه توانمندی ساخت کالاهای، ارائه خدمات نفتی و ایجاد شرکت‌های خدمات نفتی داخلی توصیف می‌نماید. ناگفته نماند که در متون فارسی، «سهم داخل» غالباً به اشکال مختلفی به کار رفته است. در برخی متون، از واژه «محتوای داخلی» استفاده شده است (بنگرید به زارع، ۱۳۸۵: ۱۰۷). حاتمی و کریمیان (۱۳۹۳) همزمان از ترجمه «ظرفیت داخلی» و «توان داخلی» استفاده کرده‌اند (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۸۶۹). صمصامی (۱۳۸۴) نیز در ترجمه کتاب اقتصاد بین‌الملل (تئوری و سیاست) از معادل «الزام محلی» بهره‌مند شده است (کروگمن و اویسفیلد^۲، ۱۳۸۴: ۳۵۷-۳۵۶). از دیدگاه نگارندگان، «سهم داخل» مناسب‌ترین واژه فارسی است و لذا از همین عبارت استفاده شده است. سه قانون ذیل به طور اختصاصی به موضوع سهم داخل پرداخته‌اند:

۱- قانون حمایت از صنایع داخلی کشور^۳: این قانون طی ماده واحده‌ای کلیه دستگاه‌ها (از جمله شرکت ملی نفت) را مکلف نموده که در مواردی که کالاهای ساخت کشور از منظر مشخصات، قیمت و قابلیت استفاده مشابه کالاهای وارداتی مورد نیاز آنها باشد، احتیاجات خود را منحصراً از کارخانجات تهیه‌کننده داخلی خریداری نمایند. در کمال ناپاوری، تشخیص شروط فوق به وزارت اقتصاد محول شده است.

۲- قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات^۴: بر اساس این قانون اولاً ارجاع قراردادهای خدمات مهندسی مشاور، پیمانکاری ساختمانی، تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی به شرکت‌های خارجی ممنوع بود، مگر آنکه شرکت خارجی در قالب مشارکت ایرانی- خارجی انجام اینگونه امور را بر عهده می‌گرفت. ثانیاً سهم خارجی در هیچ صورت

1. International Petroleum Industry Environmental Conservation Association- IPIECA.
2. Krugman and Obstfeld.

۳. مصوب ۲۸ دی ۱۳۴۳.

۴. مصوب ۱۲ اسفند ۱۳۷۵- منبجد برای رعایت اختصار از این قانون به عنوان «قانون حداکثر (۱۳۷۵)» یاد می‌شود.

نمی‌توانست بیش از ۴۹ درصد باشد. ثالثاً، تبصره یک ماده ۳ قانون پیش‌گفته حداقل سهم منابع داخلی در قراردادهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تاسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی را ۵۱ درصد تعیین کرده بود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶).

۳- قانون حداکثر (۱۳۹۱): در این قانون به منظور حمایت از به‌کارگیری تجهیزات داخلی، پیمانکار باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که حداقل ۵۱ درصد هزینه اجرای قرارداد را به صورت کار در داخل کشور صورت دهد. بر این اساس «کار در داخل کشور» به سهم ارزش فعالیت‌های مختلف اقتصادی به جز ارزش زمین، ساختمان و تاسیسات آن است که توسط طرف قرارداد بطور مستقیم یا از طریق شرکت اشخاص ثالث اعم از ایرانی یا خارجی در داخل کشور تولید یا اجرا می‌شود، تعریف شده است. همچنین در تعریف «تولید داخلی» آمده است: «عبارت از تولید کالا، تجهیزات، خدمات یا محصولات اعم از سخت‌افزار، نرم‌افزار، فناوری و نشان (برند) است که تمام آن با طراحی متخصصین ایرانی یا به طریق مهندسی معکوس یا انتقال دانش فنی و فناوری انجام می‌شود».

نکته قابل توجه دیگر در خصوص قانون جدید این است که برخلاف قانون سابق، به حداکثر استفاده از توان پژوهشی، طراحی و خدماتی در کنار توان فنی، مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی نیز تاکید شده است. به بیان دیگر، قانونگذار دستگاه‌های مشمول قانون از جمله وزارت نفت و شرکت‌های تابعه را به حداکثر استفاده از توان پژوهشی، طراحی و خدماتی مکلف کرده است در حالی که در مقررات گذشته چنین تکلیفی دیده نمی‌شد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷). بنابراین به سبب اصل قانونی حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور، پیمانکار مکلف است ضمن حداکثرسازی امکانات و توانمندی‌های داخل ایران در تمام فعالیت‌های مطالعاتی، مهندسی، پیمانکاری، ساختمانی، تاسیسات سطح‌الارضی و تحت‌الارض، تأمین تجهیزات و کالاها و امور بازرگانی ذیربط از آخرین تکنولوژی و دانش فنی حتی تکنولوژی‌های موضوع مالکیت‌های فکری و یا تکنولوژی مالی در این خصوص استفاده کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶).

از دیدگاه معیارهای چهارگانه این تحقیق، صرفاً می‌توان به تعریف تولید داخلی در قانون حداکثر (۱۳۹۱) اشاره نمود. در این تعریف، تولید نشان (برند) به عنوان جزئی از اجزاء تولید

داخلی محسوب شده و لذا منطقاً حمایت‌های این قانون از تولیدات داخلی، مشمول آن نیز می‌شود.

جدول ۹- ارزیابی قوانین سهم داخل

معیار ارزیابی						قوانین سهم داخل
نشان سازی تجاری و تقویت صادرات		توسعه صنایع ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت	ایجاد پوشش استاندارد	هم‌پایی فناورانه		
حمایت شرکت‌های E&P	نشان سازی			انتقال فناوری بین‌المللی	توسعه فناوری بومی	
O	O	O	O	O	O	قانون ۱۳۴۳
O	O	O	O	O	O	قانون حداکثر (۱۳۷۵)
O	+	O	O	O	O	قانون حداکثر (۱۳۹۱)

منبع: بررسی‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

در این تحقیق مشخص گردید که «هم‌پایی فناورانه صنعت ساخت تجهیزات»، «ایجاد پوشش استاندارد برای تجهیزات»، «توجه به توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز کشور» و «نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان» معیارهای اساسی ارزیابی منابع حقوق نفت کشور در حمایت از توسعه صنایع داخلی ساخت تجهیزات نفتی قلمداد شده و مورد توجه کارشناسان خبره فعال در این صنعت می‌باشند.

با توجه به منابع حقوق نفت کشور، قوانین ملی مرتبط با نفت شامل قوانین اصلی نفت کشور، قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران و قوانین مربوط به الزام سهم داخل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. این قوانین در تمامی قراردادهای نفتی کشور در بخش بالادستی به عنوان قوانین ناظر بر حمایت از تجهیزات نفتی ساخت داخل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

به منظور پاسخ به سوال تحقیق، نتایج این مطالعه نشان دهنده آن است که منابع حقوق نفت کشور به طور کلی حمایت مناسبی از صنایع ساخت داخل تجهیزات نفتی در چارچوب معیارهای چهارگانه احصاء شده ندارند، به نحوی که نیازهای اساسی این صنایع در منابع حقوق نفت کشور بدون حمایت مناسب مانده‌اند.

در قوانین اصلی نفت کشور، به استثنای توجه ضعیف قوانین سوم و چهارم نفت کشور به موضوع توسعه فناوری بومی، سایر قوانین به معیارهای ارزیابی نپرداخته‌اند. همچنین در قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت ایران نیز پوشش جامعی نسبت به نیازهای قانونی این صنعت مشاهده نمی‌شود. در قوانین اساسنامه‌های شرکت ملی نفت، موضوع توسعه صنایع ساخت تجهیزات به عنوان جزئی از زنجیره ارزش صنعت نفت مورد توجه قرار گرفته و از نشان‌سازی این تجهیزات نیز حمایت‌هایی به عمل آمده، لیکن به استثنای اساسنامه هفتم، سایر معیارهای ارزیابی مورد توجه نبوده است. در اساسنامه هفتم نیز به توسعه فناوری بومی و حمایت از شرکت‌های اکتشاف و تولید توجه شده است. قوانین مربوط به الزام سهم داخل نیز نسبت به تمامی معیارهای ارزیابی مسکوت می‌باشند. تنها حمایت ضعیف قابل ذکر، توجه به تولید نشان به عنوان جزئی از اجزای تولید داخلی می‌باشد.

به استناد یافته‌های پژوهش و با توجه به اهمیت ساخت تجهیزات نفتی در کشور، به قانون‌گذاران و متولیان تنظیم نظام حقوقی بخش بالادستی نفت و گاز کشور توصیه می‌شود که ضمن توجه به زیان‌های ناشی از تداوم وضعیت موجود، به اصلاح منابع حقوق نفت در حمایت از صنایع ساخت تجهیزات بخش بالادستی اهتمام ورزند. برای رفع مشکلات موجود در منابع حقوق نفت، توجه به نقصان‌های اشاره شده در جداول (۶)، (۸) و (۹) راهگشا خواهد بود.

توجه به ابعاد اقتصادی ساخت داخلی تجهیزات بخش بالادستی نفت و گاز کشور، در توسعه مطالعات مربوط به این تحقیق مفید بوده و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مدنظر قرار گیرد.

منابع

الف- فارسی

کتاب‌ها

- امانی، مسعود، (۱۳۸۹)، *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- امور حقوقی شرکت ملی نفت ایران، (۱۳۹۳)، *مجموعه قوانین و مقررات نفت، گاز و پتروشیمی (پیش از مشروطیت تا کنون)*، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران.

- حاتمی، علی و اسماعیل کریمیان، (۱۳۹۳)، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، چاپ اول، تهران: انتشارات تیسرا.

- زارع، محمدحسین، (۱۳۸۵)، *سرمایه‌گذاری خارجی و سازمان تجارت جهانی با نگاهی به وضعیت ایران*، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

- کاظمی نجف‌آبادی، عباس، (۱۳۹۳)، *آشنایی با قراردادهای نفتی*، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، *حقوق نفت و گاز*، تهران: نشر میزان.

اسناد و گزارش‌ها

- اصل عربی، علیرضا، (۱۳۹۴)، *رویکرد اقتصاد مقاومتی در نگهداشت و تعمیرات صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران*، گزارش اداره کل راهبردی نظام نگهداری و تعمیرات معاونت امور مهندسی وزارت نفت، تهران.

- تصویب نامه هیئت وزیران با موضوع شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز (۱۳/۵/۱۳۹۵)، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، (۲۹ بهمن ۱۳۹۲)، ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی.

- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، (۹ تیر ۱۳۹۴)، ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی.

- سیاست‌های کلی علم و فناوری، (۲۹ شهریور ۱۳۹۳)، ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی.

- گزارش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربنی وزارت نفت (۱۳۹۲).

- گزارش معاونت پژوهشی وزارت نفت در همایش صنعت نفت دانش بنیان، تبلور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۵).

- معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت، (۱۳۹۳)، صنعت نفت پیشران اقتصاد ملی در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با رویکرد جهش توسعه فناوری و حرکت دانش بنیان در شرکت‌های پیمانکاری عمومی، بسته پیشنهادی راهبردها و اقدامات اجرایی، تهران- روابط عمومی وزارت نفت.

- نیلی، مسعود، (۱۳۹۴)، گزارش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و رشد اقتصادی ایران، تهران- موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

رساله

- قاسمی مقدم، سعیده، (۱۳۹۶)، الزامات قانونی و قراردادی استفاده حداکثری از توان داخل در صنعت بالادستی نفت و گاز، پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

مقاله‌ها

- ابراهیمی، سید نصرالله؛ صادقی مقدم، محمد حسن؛ سراج، نرگس، (۱۳۹۱)، «انتقادهای وارده بر قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت و گاز ایران و پاسخ‌های آن»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، زمستان، دوره ۴۲، شماره ۴.

- ابراهیمی، سید نصرالله؛ منتظر، مهدی؛ مسعودی، فرزاد، (۱۳۹۳)، «اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، پاییز، شماره ۱۲.

- درخشان، مسعود و عاطفه تکلیف، (۱۳۹۴)، «انتقال و توسعه فناوری در بخش بالادستی صنعت نفت ایران: ملاحظات در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه پژوهشنامه

اقتصاد انرژی ایران، دوره ۴، بهار، شماره ۱۴.

- درخشان، مسعود، (۱۳۹۲)، «ویژگی های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، زمستان، شماره ۹.

- سعیدی، علی محمد، (۱۳۸۱)، سه مقاله در «بررسی صنعت نفت و گاز کشور»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال نهم، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۳۴.

- شکوهی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «درآمدی بر اقتصاد پیمانکاری در صنعت نفت ایران: بررسی رویکرد ساخت یا خرید»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، پاییز، سال چهارم، شماره ۱۶.

- طاهری فرد، علی و شیرجیان، محمد و مهرافشان، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اساسنامه های شرکت ملی نفت ایران در دوره زمانی ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۶: ارائه اصولی برای اساسنامه جدید»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، بهار، شماره ۱۴.

- غفاری، علیرضا و تکلیف، عاطفه، (۱۳۹۴)، «کاربرد الگوی عقلایی در تصمیم گیری های راهبردی برای تولید صیانتی از میدان مشترک پارس جنوبی- گنبد شمالی: مدل مفهومی با تأکید بر الزامات حقوقی»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، سال چهارم، پاییز، شماره ۱۶.

- کروگمن، پل آر و اویسفیلد، موریس، (۱۳۸۴)، اقتصاد بین الملل (تئوری و سیاست)، ترجمه حسین صمصامی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- کلانتری، اسماعیل و حبیبیا، سعید، (۱۳۹۶)، «بررسی نقش سیاست حقوق مالکیت فکری در همپایی فناورانه کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، تابستان، شماره ۲.

- مقدم، محمدرضا و دانشفر، محمدحسین و دهکردی، علی و سیف، الله مراد و اصولی، علی، (۱۳۹۶)، «تعیین اقدامات اولویت دار در دانش بنیان نمودن صنعت نفت و گاز کشور در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه بین رشته ای دانش راهبردی، سال هفتم، زمستان، شماره ۲۹.

- منتظر، مهدی، (۱۳۹۴)، چالش‌های حقوقی شرکت‌های پیمانکار ایرانی در میادین مشترک نشست چالش‌های حقوقی میادین مشترک، زمستان، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

- میری مقدم، مژده و قاضی نوری، سیدسپهر و توفیقی، جعفر و الهی، شعبان، (۱۳۹۴)، «یادگیری فناورانه در صنعت نفت: مطالعه موردی فازهای توسعه میدان گازی پارس جنوبی»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، تابستان، سال هفتم، شماره ۲.

ب- انگلیسی

Books

- International Petroleum Industry Environmental Conservation Association, (2011), *Local Content Strategy a Guidance Document for the Oil and Gas Industry*, IPIECA.

- Tordo, Silvana and Yahya Anouti, (2013), *Local Content in the Oil and Gas Sector: Case Studies*, World Bank.

Articles

- Layanto, Sugiman, (2015), "Local Content and Regulatory Changes in Indonesia", *Asian OSJ Conference*, China, Vol. 8-9.

- Majidpour, M, (2016), International Technology Transfer and the Dynamics of Complementarity: a New Approach, *Technological Forecasting and Social Change*, 11-2, Doi:<http://dx.doi.org/10.1016/2016.03.04>.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی